

דקדוק دستور زبان

علامات اسامی مؤنث

اصولاً هر اسمی یا مذکر است یا مؤنث علامات اسامی مؤنث عبارت است از:

۱ - هر اسمی که در مفرد به حرف ה ختم شود

مثال: מַחְפָּרֶת = دفتر דֶּלֶת = در חַנּוּת = دکان

۲ - هر اسمی که در مفرد به صدای ה ختم شود

مثال: מְנוּרָה = شمعدان שִׁמְלָה = لباس שִׁירָה = شعر

۳ - اسامی اعضای از بدن که زوج هستند

مثال: יָד = دست רֶגֶל = پا לַיִן = چشم

۴ - اسامی شهرها و کشورها و نقاط جغرافیائی دنیا

مثال: יְהוּדָא = تهران יְרוּשָׁלַיִם = اورشلیم

۵ - اسامی ای که مشخص است و علامتی ندارد

مثال: אֶסְתֵּר = استر מִרְיָם = میریام

الف) برای اینکه بخواهیم فعلی یا کلمه‌ای یا اسم مذکری تبدیل به مؤنث کنیم به آخر کلمه حرف ה یا ת اضافه می‌کنیم مثال:

פָּר = گاو نر מוֹנֵת آن می‌شود פָּרָה = گاو ماده

יָלֵד טוב = پسر بچه خوب מוֹנֵת آن می‌شود יָלְדָה טובָה = دختر بچه خوب

אוֹכֵל = می‌خورد מוֹנֵת آن می‌شود אוֹכֶלֶת

בָּא = می‌آید מוֹנֵת آن می‌شود בָּאָה = می‌آید

ب) چنانچه آخر اسمی یا فعلی حرف ה باشد برای اینکه بخواهیم به مؤنث تبدیل کنیم حرکت **סגול** (א) را به حرکت **קמץ** (א) تغییر می دهیم. مثل:

מורה = معلم مرد مؤنث آن می شود מורה = معلم زن
 היילד בוכה = پسر بچه گریه می کند مؤنث آن می شود היילדה בוכה = دختر بچه گریه می کند
 קשה - קשה = לא קשה ללמוד עברית = یاد گرفتن عبری سخت نیست مؤنث آن می شود
 העברית שפה לא קשה = زبان عبری زبان سختی نیست

پ) اسامی یا کلماتی که مذکر هستند و در آخر آن حرکت **חריק** (ای) و حرف (י) می باشند مؤنث آنها حرف ה یا حرف ת به آخر کلمه یا اسم اضافه می گردد مثل:

יהודי = مرد یهودی مؤنث آن می شود יהודיה یا יהודית = زن یهودی
 لاברי = مرد یهودی مؤنث آن می شود لاברה یا لاברית = زن یهودی
 נברי = مرد غریب مؤنث آن می شود נברה یا נברית = زن غریب

ت) اسامی ای که آخر آن حرف ל می باشد و این حرف جزء ریشه آن کلمه نمی باشد برای اینکه به مؤنث تبدیل کنیم حروف ית به آخر آن اسم اضافه می کنیم مثل:

רחמן = رحیم یا פתחן = کارمند دفتری یا ماشین نویس مرد مؤنث آن می شود רחמנית פתחנית

تذکر = اصولاً اسمی که دارای علامت مؤنث نیست مذکر است.

طریقه جمع بستن کلمات، اسامی و افعال

۱) معمولاً اسامی یا افعال مؤنث با پسوند حروف **ות** و اسامی یا افعال مذکر با پسوند **ים** جمع بسته می شود مثال:

דלת = در جمع مؤنث آن می شود דלתות
 חלון = پنجره جمع مؤنث آن می شود חלונות
 זינת כותכת = زینت می نویسد جمع مؤنث آن می شود זינת ושהנאז ושהנאז כותכות =
 زینت و شهناز می نویسند

۲) اگر مذکر و مؤنث با هم باشند صفت و فعل و عدد مذکر بر آنها بکار برده می شود مثل:

הילדים והילדות לומדים יחד پسر بچه ها و دختر بچه ها با هم تحصیل می کنند

۳) پسوند ים علامت تشبیه (جمع زوجی) است مثل:

יומים = دو روز

שנתיים = دو سال

חודשים = دو ماه

ידיים = دو دست

۴) معدودی از اسامی (که انگشت شمار هستند) بر خلاف قاعده دستور زبان جمع بسته می شود مثل:

אב = پدر جمع آن می شود אבות = پدران

אשה = زن جمع آن می شود נשים = زنان

۵) غالباً چیزهائی که واحد طبیعی ندارد نام عبری آنها یا بصورت جمع یا بصورت مفرد وجود دارد مثل:

זקב = طلا

קמאה = کره

מים = آب

מכתב = نامه

۱- בת דודתי היקרה שרונה הנחמדה שלום רב וברכה.

دختر خاله عزیزم، شاروناه دوست داشتنی سلام زیاد و دعای خیر (برکت)

۲- אני מקנה שאת וכל בני משפחתך בריאים ושמחים.

امیدوارم که خودت و تمام اهل فامیلت سلامت و شاد هستید.

۳- אם תרצי לדעת משלומי ברוך ה' אני בריאה ואין לי שום דאגה כי אם ראות פניך היקר.

اگر از حال من بخواهی بحمدالله سلامت و جزء دوری دیدار تو نگرانی ندارم.

۴- שרונה האהובה לפני חדש קבלתי את מכתבך היקר ושמחתי מאד.

شاروناه محبوب یک ماه قبل نامه عزیزت را دریافت کردم و خیلی خوشحال شدم.

۵- בְּלִי סֶפֶק אֶת מִתְאוּנָת עָלַי שְׁלֵמָה לֹא כְּתִבְתִּי לָךְ מִכְתָּב זֶה זְמַן רַב וְלֹא הוֹדַעְתִּי לָךְ עַל מַצְבִּי
بدون شك از من گله‌مندی که چرا مدت مدیدی است که برای تو نامه ننوشته‌ام و تو را از حال خود با خبر
نکرده‌ام

۶- הָיִוֹת שְׁלֵא בְּאֵת עַד עֲכָשְׁיוֹ לְטֹהָרָאן הַגְּדוּלָה אֵינְךָ יוֹדַעַת עַד כְּמָה שְׁהַעִיר הַזֹּאת גּוֹרְמָה צָרוֹת
לְאָדָם.

نظر به اینکه تا بحال به تهران بزرگ نیامده‌ای نمیدانی که این شهر چقدر انسان را گرفتار می‌کند.

۷- אִם תְּבוֹאִי פֶּעַם לָעִיר הַזֹּאת אֶת תְּבִינִי אֶת אֲמִיתוֹת דְּבָרֵי

اگر یک دفعه به این شهر بیایی بصدق گفتار من پی خواهی برد.

۸- אֲנִי נִמְצָאת בְּבֵית הַסֵּפֶר רוֹהֵי שָׂאד וּמְלַמְּדֵת מִן הַבְּקָר עַד הָעֶרֶב אֶפִּילוּ אֶת אַרוּחַת הַצְּהָרִים אֲנִי
אוֹכֵלֶת שָׁם.

من صبح تا عصر در مدرسه روحی شاد هستم و تدریس میکنم حتی نهار را در مدرسه میخورم.

۹- רֵאשִׁי מִתְעַיֵף מִוְכוּחִים עִם עֲשָׂרוֹת תְּלֻמִּידוֹת בְּאֶפֶן שְׂכַעְרַת אֲנִי בָּאָה הַבֵּיתָה עֵינָה

سرم بر اثر بحث با ده‌ها محصل خسته میشود بطوریکه عصر خسته به منزل می‌آیم.

۱۰- וְאִז עָלַי לְהִתְכוּנֵן עַל הַשְּׁעוּרִים שֶׁל מָחָר אוּ הַכְּנַת אַרוּחַת הָעֶרֶב.

و آنوقت بایستی برای دروس فردا خود را آماده یا شام حاضر کنم.

۱۱- בַּיּוֹם שֶׁשִׁי גַם בֵּן אֲנִי טְרוּדָה בְּרַחֲצָה וּבְהַכְנַת צְרָכֵי שַׁבַּת קוֹדֶשׁ

در روز جمعه هم گرفتار حمام رفتن و تهیه لوازم شنبه مقدس هستم.

۱۲- גַּם בַּשַּׁבָּת שְׂאֲנִי פְּנוּיָה אֶת יוֹדַעַת שְׂאֶסוּר לְכַתּוּב מִכְתָּב.

در شبات (شنبه) هم که فرصت دارم خودت میدانی که نامه نوشتن قدغن است.

۱۳- אִם בֵּן אֶת תְּבִינִי בְּעֲצֻמָּךְ שְׂאֵם עַד עֲכָשְׁיוֹ לֹא שְׁלַחְתִּי לָךְ מִכְתָּב זֶה לֹא מִחֲמַת שְׂכָחָה אוּ חֶסֶר

יְדִידוּת.

بنابراین خودت پی می‌بری (میفهمی) که اگر تا بحال برایت نامه نفرستاده‌ام این از روی فراموشی و بیوفائی نیست.

۱۴- כַּעַת שְׁמַצְאָתִי פְּנָאֵי כְּתָבְתִי לָךְ אֶת הַמְּלִים הַלְלוּ לְאוֹת יְדִידוֹת.
 حال (فعالاً) که فرصت پیدا کردم این چند کلمه را برایت برای اظهار صمیمیت نوشتم.

۱۵- עֲכָשׁוּ אֲנִי חוֹשֶׁת שֶׁהַבְּנֵי לָמָּה לֹא הִסְפַּקְתִּי לְכָתוֹב לָךְ מִכְּתָב וּמִקְנָה שֶׁהִתְשׁוּבָה תִּשְׁלַחֵי לִי
 בקרוב

حالا من فکر می‌کنم که فهمیدی چرا فرصت نکرده‌ام که برایت نامه بنویسم و امیدوارم که جواب آن را بزودی
 برایم خواهی فرستاد.

۱۶- הוֹרֵי, אָחִי, וְאֶחָיוֹתַי בְּרוּךְ ה' הֵם בְּרִיאִים כֻּלָּנוּ מוֹסְרִים דְּרִישַׁת שְׁלוֹם רַבָּה לְכָל בְּנֵי מִשְׁפַּחְתְּךָ
 والدینم، برادرانم و خواهرانم بحمدالله سلامت هستند و همگی ما سلام زیاد به تمام اهل فامیلت میرسانم.

۱۷- הָאוֹהֶבֶת אוֹתְךָ מְלֵב וְנֹפֵשׁ בֵּת דּוֹדְתְךָ הֵל אָרָאם
 کسیکه تو را از جان و دل دوست دارد دختر خاله تو - دل آرام

מְלִים חֲדָשׁוֹת לְגַת כְּדִיד

בריאה	ברי‌آه	سلامت هستم
דודה	דודא	عمه - خاله - زن‌عمو - زن‌دایی
דוד	דוד	عمو دایی - شوهر عمه - شوهر خاله
ראות	ראוט	دیدار - دید
דאגה	דאגא	دل‌واپسی - نگرانی
מתאוננת	מית אנט	گله‌مندی - شکایت داری
מצב	מצב	وضعیت - موقعیت
וכוח	وی کוח	بحث - منظره
נחמדה	נחמאדא	دوست‌داشتنی - زیبا
אמיתיות	אמי تیوت	راستی - صداقت - حقیقت
טרוד	طارود	گرفتار - مشغول
הכנה	هخانا	تدارک - تهیه
מחמת	مخمت	به علت - بخاطر
ידידות	یدیدوت	دوستی - صمیمیت
פנאי	پنای	فرصت - مجال
הורים	هوریم	والدین

תרגיל = تمرین

נא הפוך את השמות והפעלים נקביים שנמצאים במכתב לזכריים לطفא'סאמי ו'אפע'ל מונ'ת ר'א ק'ה דר' אין נ'אמ'ה ו'גוד ד'ארנד' ב'ה מז'קר ת'בדיל ק'ניד'.

למשל = מ'ש'ל:

בן דודי היקר רמי הנחמד שלום רב וברכה

פ'סר ע'מוי ע'זיז'מ ר'אמי ד'וס'ט ד'אש'תני ס'ל'אם ז'י'אד ו' ד'ע'אי ח'יר (בר'ק'ט)

درس قبلي

درس بعدی